



کرامت و حقوق انسان در

نهج البلاغه

محمد حکیمی

سرشناسه: حکیمی، محمد، ۱۳۱۸ -

عنوان قرارداد: نهج البلاغه، برگزیده، شرح.

عنوان و نام پدیدآور: کرامت و حقوق انسان در نهج البلاغه / محمد حکیمی.

مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۲۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۴۴۷-۹.

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - دیدگاه درباره کرامت انسانی.

موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - نهج البلاغه - کرامت انسانی.

موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - نهج البلاغه - نقد و تفسیر.

موضوع: کرامت انسانی - جنبه های مذهبی - اسلام.

شناسه افزوده: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - نهج البلاغه، برگزیده.

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۵۱۵.

رده بند: ۲۸ / ۰۹ BP.

شماره کتاب: ۶۱۶۹۱.



بنیاد پژوهشهای اسلامی
آستان قدس رضوی

کرامت و حقوق انسان در نهج البلاغه محمد حکیمی

نمونه خوان: عبدالحسین یداللهی

حروف نگار: محمود رسولی

طراح جلد: شهید مسعود فرهنگ

چاپ اول ۱۳۹۹ / ۱۰۰۰ نسخه، رقعی / بها: ۸۰۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: صندوق پستی ۳۶۶-۹۱۷۳۵

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۰۵۱-۳۲۲۳۰۸۰۳

www.islamic-rf.ir

info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست

- پیش‌گفتار..... ۷
۱. کرامت ندای انسان ۱۴
۲. بالاترین نهاد در کرامت انسانی ۱۹
۳. اخلاق پایگاه کرامت انسانی ۲۴
۴. توده‌گرایی و کرامت و حقوق انسانی ۳۰
۵. راهکارهای پاسداری از حقوق انسان ۳۷
۶. انسان‌ها، خود پاسدار کرامت خویش ۴۲
۷. عدالت، زمینه‌ساز حقوق ۴۶
۸. فقر و نابودی کرامت و حقوق ۵۱
۹. انسان دوستی، سرچشمه کرامت‌شناسی ۶۱
۱۰. استثمار، ویرانگر کرامت و حقوق ۶۵
۱۱. انتقادپذیری، خاستگاه کرامت و حقوق ۷۳
۱۲. معیار ارزش در جامعه انسانی ۸۲
۱۳. حقوق متقابل ۸۸
۱۴. ویژه‌سازی ویرانگر کرامت و حقوق ۹۲
۱۵. معیار در رفتار زمامداران با مردم ۹۷

۱۶. تأمین زندگی و کرامت انسانی ۱۰۱
۱۷. مساوات، بستر اصلی کرامت و حقوق ۱۰۸
۱۸. کرامت انسانی و پاسداری از حقوق محرومان ۱۱۷

پیشگفتار

هرز ما در ظاهر قرن انسان دوستی و حقوق بشر است، و همواره اندیشمندان - زمامداران از حقوق انسان ها سخن می گویند، و برای آحاد انسانان دل می سوزانند، و سازمان هایی برای همین منظور تشکیل داده اند و در شاخه ها مدعی دفاع از حقوق انسان ها هستند. به ویژه اردوگاه غرب که مدعی انسان گرایی و حقوق بشر است، و آن را دستاویزی برای منافع خود قرار داده است.

با اندکی بررسی و ارزیابی روشن می شود که این نمایش انسان گرایی ها و دم زدن از حقوق بشر و واژه های بی محتواست، و الفاظی است تهی از معنا؟

این همه سخن پراکنی ها درباره حقوق انسان ها برای بازی با کلمات، و نوعی مردم فریبی است؛ زیرا آنچه در عیان واقع شده می شود این واقعیت دردناک است که اکثریت بشریت با دشواری هایی نفس گیر دست و پنجه نرم می کنند، و از مسائل اولیه زندگی محرومند، و اقلیتی خودکامه - از دولتمردان و سرمایه داران -

غرق در ناز و نعمتند، و از زندگی‌هایی افسانه‌ای برخوردارند، و در تعبیری کوتاه: اقلیتی سلطه‌گر در بلوک سرمایه‌داری غرب و اکثریتی محروم در جهان سوم به سر می‌برند.

این ناهمخوانی و تضاد میان این دو نوع زندگی، شاید در کمتر دره‌ای از تاریخ زندگی انسان‌ها دیده شده است، آن‌سان که اقلیتی با تکیه به دولت‌های ستمگر در شادخواری و خوش‌گذرانی غرق باشد، و به سزاکاموری و لذت‌جویی به چیزی نیندیشند، و اکثریت توده‌های انسان را از نیازهای ضروری و حیاتی خویش محروم باشند؟! در این زمانه ما هنوز از حقوق و کرامت انسان سخن گفتن تکلیفی‌خدایی و مسئولیتی‌انسانی است؛ و دم فرو بستن در برابر این سرنوشت‌های غم‌بار، نظاره کردن بر بیدادگری‌ها و سکوت در اظهار حق و عدل است.

اکنون در این بررسی‌های فشرده به بررسی حقوق و کرامت انسان در نهج البلاغه می‌پردازیم، و از کتابی الهام می‌گیریم که به‌راستی در مقام و کرامت انسان و حقوق او، حقایقی بی‌مانند را عرضه کرده است، و امام بزرگ آن‌ها را در دوران زمامداری خویش در سینیت و عمل نشان داده است.

به‌راستی در طول تاریخ زمامداری چون امام علی «ع» جهان به خود ندیده است که از ژرفای وجود در اندیشه انسان‌ها باشد، و با تمام توان برای پاسداری از حقوق انسانی به پا خیزد، و برای تحقق

این هدف بزرگ لحظه‌ای درنگ نکند، و یا اندکی در این باره کوتاهی روا نداشته باشد.

این گفتار و رفتار که امام علی «ع» پیشگام آن بود، در جامعه بشری نسخه دومی ندارد و این همه سختکوشی‌ها و سرسختی‌ها و پایداری‌ها برای تحقق این آرمان بلند خدایی و انسانی بی‌مانند است.

اکثرین در این رساله هدف آن است که حقوق و کرامت انسانی در گفتار و رفتار امام «ع» اندکی بازگوشود، و چکادهای بی‌مانند آن - در اندیشه و عمل - ترسی گردد، تا دست کم دوستداران امام از این حقیقت آگاه شوند، و اندکی از این آموزه‌ها را در مدیریت خویش اجرا کنند، و به توده انسان‌ها، به ویژه تهیدستان - با نگاهی خدایی و علوی بنگرند، و در برابر آنان احساس مسئولیت کنند؛ مسئولیتی بزرگ و خدایی! به ویژه در این زمانه ناهنجار که میدان لاف‌زنی و گزافه‌گویی گسترده است، و عمل به گفته‌ها بسیار نادر است!

به راستی باید در گام نخست به ایده‌های رحمانی بخش با تمام وجود روی آورد، و سخنان رهبران الهی را راه و روش زندگی قرار داد، و از حکمت‌های جاودانه علوی درس آموخت، و درباره کرامت و حقوق انسان راهی درست پیمود، و در این راه اندکی همسان با امام «ع» بود، و با این بررسی‌ها و تفسیرهای کوتاه، به برتری بنیادین حقوق انسان در مکتب امام، بر دیگر حقوق دست یافت، و

دروغ‌زنی‌های غرب تجاوزگر را بیشتر شناخت.

به راستی نهج البلاغه کتاب خدا و کتاب انسان است. خداشناسی در این کتاب، پس از قرآن، چنان ژرف و گسترده مطرح شده است که در کتاب دیگری نیامده است. حقوق و کرامت انسانی نیز که در نهج البلاغه بازگوشده است، در دیگر کتابی به این اصالت و ژرفایی مطرح نشده است. بیشتر عتاب و خطاب‌ها و نکوهش‌ها و سرزنش‌ها در سخنان امام «ع» بر سر حقوق انسان است. امام بزرگ در دفاع از حقوق انسان‌ها کوبنده‌ترین و استوارترین واژه‌ها را به کار برده، و سخت‌ترین نکوهش‌ها را بر زبان آورده است؛ در عمل نیز برای این هدف استوارترین گام‌ها را برداشته، و کوچک‌ترین کوتاهی در حق ندانی را روا نداشته است، و آنگاه که کمترین کوتاهی در حق را دیده، بی‌درنگ به بازپس‌گیری آن پرداخته است.

ژرف‌بنگرید که امام بزرگ در برابرستی که به یک انسان در قلمرو حکومت او رفته است چه ناله‌هایی سر می‌دهد، و چه واژگانی به کار می‌برد، و چه آه و افسوس‌هایی بر زبان می‌آورد. این انسان، همکیش او نیز نیست، بلکه انسان است.

امام علی «ع»: ... وَلَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةَ، فَيُتَشَرَّعُ حِجْلَهَا وَقَلْبُهَا وَقَلَائِدَهَا وَرِعَائُهَا مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْإِشْرَاجِ وَالْإِشْرَاحِ، ثُمَّ أَنْصَرَفُوا وَافِرِينَ، مَا

نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلِمًا، وَلَا أَرِيقَ لَهُمْ دَمًا، فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَشْفَا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا، بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا^۱.

«... به من خبر رسیده است که مردی از لشکریان معاویه داخل خانه زن مسلمان، یا اهل ذمه (یهودی، مسیحی و...) می شده و خلخال، و دستبند و گوشواره او را می کنده است؛ و آن زن جز اینکه بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و تقاضای رحم و مدارا کند - اراه ای نداشته است.

سپهر اشکر معاویه، پس از غارت اموال مردم با دست پر باز گشته اند. بی آنکه به کسی از آنان جراحتی برسد، یا قطره خونی از آنان (بدن سوار دماغ) ریخته شود. از این پیشامدها (و ستم هایی که بر مردم بی دفاع روا شده است)، اگر مرد مسلمانی از غصه بمیرد، نباید او را ملامت کرد، بلکه به مرگ از این اندوه و تأسف سزاوار است.

امام «ع» در بالاترین جایگاه ارزش گذاری، مقام انسانی، از به کار بردن واژه های ناشایست و غیر اخلاقی حتی درباره دشمنان خود نهی می کند، و به کرامت انسانی دشمن نیز حرمت می نهی.

امام علی «ع» - هنگامی که شنید گروهی از یاران او - در جنگ «صفین» شامیان را دشنام می دهند، فرمود:

إِنِّي أَكْثَرُهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ وَلَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَدَكَّرْتُمْ

حَالَهُمْ كَانَ أَضْوَبَ فِي الْقَوْلِ وَأَبْلَغَ فِي الْمَذَرِ وَقُلْتُمْ مَكَانَ سَبِكُمْ
إِيَّاهُمْ: اللَّهُمَّ اخْقِنْ دِمَاءَنَا وَدِمَاءَهُمْ، وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَبَيْنَهُمْ، وَ
اهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْ جَهْلِهِ، وَيَرْعَوْيَ عَنِ الْغَيِّ وَ
الْعُدْوَانِ مَنْ لَهَجَ بِهِ!

«من خوش ندارم شما بدزبان و دشنامگو باشید! لیکن کارهای
آنان را برای مردم شرح دهید، و از موقعیت ناحق آنان سخن
بگویید، تا درست تر سخن گفته باشید، و عذری قابل قبول تر داشته
باشید! به جای اینکه دشنام بدهید، دعا کنید و بگویید:
خداوند! خون ما و خون آنان را حفظ کن، و میان ما و ایشان صلح
و آشتی آفرین، و آنان را که گمراه گشته اند هدایت کن، تا هر کسی
حق را نمی شناسد، بشناسد، و هر کس شعار گمراهی و
دشمنی می دهد، از ایشان ببرد».

این سخنان امام علی «ع»، آن هم در برابر دشمنان خود و در
جنگی که ظالمانه و به ناحق علیه او برپا کرده اند بیانگر اصالت و
ارزش کرامت انسان هاست، که در هر حال باید از آن پاسداری شود.
این است نهج البلاغه و این است آموزه های انسانی آن، و
همین هاست که به راستی می توان گفت: نهج البلاغه کتاب خدا و
کتاب انسان است.

می نگریم که عهدنامه امام «ع» به مالک اشتر از بهترین شیوه های

زمانمداری و مدیریت‌های سیاسی شناخته شد، و در سازمان‌های بین‌المللی به این حقیقت اعتراف کردند، برای همین دیدگاه است که نهج البلاغه چنان که شیوهٔ تکامل انسانی را به صورت فردی آشکار می‌سازد، راه‌های تکامل اجتماعی انسانی را نیز ترسیم می‌کند، و شیوه‌های گرامیداشت انسان‌ها و پاسداری از کرامت آنان را آشکار می‌سازد.

امید که با این رساله اندکی از حقایق جاودانه نهج البلاغه دربارهٔ حقوق و کرامت انسان روشن شود، و برتری بنیادین حقوق انسان از دیدگاه امام «ع» آشکار گردد، و روشنگر راه پایداری از حقوق انسان‌ها قرار گیرد، و به‌ویژه اکثریت «مظلوم و محروم توده‌های انسانی به آسایشی - گرچه نسبی - دست یابند، دین امید!

۱. برای روشن‌تر شدن موضوع حیاتی: کرامت و حقوق انسان، به کتاب الحیة، ج ۷، که ویژه انسان است مراجعه شود؛ به ویژه فصل ۳۶: خدا- انسان، صفحات ۳۷۶-۳۹۶، بررسی گردد، تا جایگاه و کرامت انسان در آیین اسلام آشکار شود.